

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ فروردین ۱۳۹۷

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

مصادف با: ۲۱ رجب ۱۴۳۹

موضوع جزئی: آیه بیست و سوم_ مفردات

جلسه: ۴۶

﴿ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعْنَ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در مورد آیه بیست و سوم نکات و مطالبی را عرض کردیم، آیه این بود که «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» در مورد ارتباط این آیه با آیات قبل و اینکه این آیه در واقع هم اثبات نبوت می‌کند و هم در مقام تحدی است، مطالبی را عرض کردیم، اینکه در قرآن اختلاف در تحدی وجود دارد و بعضاً تحدی به کل قرآن می‌شود و گاهی تحدی به ده سوره و گاهی به یک سوره، این را هم توضیح دادیم. گفتیم این ممکن است به حسب اختلاف اشخاص باشد یا به حسب اختلاف ازمنه و ادعاهایی که اشخاص مختلف کرده‌اند یا ادعاهایی که در زمان‌های مختلف شده است.

مفردات

۱. «ریب»

در مورد معنای ریب یک توضیح مختصری لازم است ذکر کنیم. اصطلاح ریب و شک، یک قدر مشترک دارند و در عین حال تفاوتی هم بین آنها وجود دارد، اشتراک این دو در حقیقت تردید و شک است، اینکه انسان هیچ یک از طرفین احتمال نزد او قوی‌تر از طرف دیگر نباشد، یا حتی ممکن است یک معنای اعمی برای شک تصویر کنیم که شامل وهم هم بشود، یا یک معنای عام‌تری که در مقابل یقین باشد، یعنی عدم یقین و عدم اطمینان.

ولی فرق ریب و شک در این است که ریب کأن یک شک خاص است، یعنی همان شک است با یک قید اضافه، آن قید اضافه عبارت است از همراهی با تهمت و افتراء، چون شک بر دو قسم است، گاهی شک به معنای خاص و عام، عبارت است از همان تردید، تردیدی که ممکن است یک احتمال راجحی هم در کنار آن باشد یا حتی احتمال مرجوح را در بر بگیرد، ولی در عین حال معتبر و مستند نباشد، ولی گاهی شک همراه با بد بینی و تهمت و افتراء می‌باشد، یعنی نسبت به کسی شک می‌کند و در عین حال ملازم با تهمت است، صرف تردید نیست، ریب چنین معنایی دارد، یعنی وقتی می‌فرماید «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا» کأن می‌خواهد بگوید اگر شما شک دارید در آنچه که ما به عبدمان نازل کردیم و عبد ما را متهم می‌کنید که او افتراء بسته است، یعنی شک به رسول خدا همراه با این تهمت که این

کلام از ناحیه خدا نیست. همراه با تهمت و افتراء و دروغ بستن و اینکه این سخنان از خودش بوده و به خدا نسبت می‌دهد، اگر اینگونه است، پس شما نیز همانند آن را بیاورید، لذا ریب معنای خاص‌تری از شک دارد و آمیختگی با افتراء و تهمت در آن وجود دارد.

۲. «عبد»

در قرآن در موارد بسیاری از پیامبران و انبیاء با تعبیر عبد یاد کرده است، گاهی این همراه با ذکر نام انبیاء است و گاهی بدون ذکر نام، مثلاً در آیه «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا»^۱، یا در آیه «وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ»^۲، بر انبیاء پیشین هم اطلاق شده است، البته گاهی نام ایوب، یا نام نوح در این آیات هم ذکر شده است، اما در مورد پیامبر اسلام، عمدتاً عبد به صورت مطلق آمده و ذکری از نام پیامبر به میان نیامده است، استعمال عبد به نحو مطلق بدون اشاره به نام عبد فقط در مورد پیامبر اسلام است، کأن او عبد مطلق است، کأن پیامبر در میان همه عباد و در میان همه انبیاء بالاترین رتبه عبودیت نسبت به خداوند را دارد، این آیه هم که می‌فرماید «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا»^۳، اشاره به پیامبر دارد با اینکه اسمی هم برده نشده است ولی اطلاق و قرائن در آیه حاکی از این است که منظور شخص پیامبر است.

۳. «سوره»

باید ببینیم معنای سوره چیست و مقصود از کلمه سوره در این آیه کدام است.

معنای لغوی: در لغت سوره را اینگونه معنا کرده‌اند، ارتفاع و اعتلاء یا هیجانی که همراه با اعتلاء و ارتفاع است، مثلاً گفته می‌شود «سارت الحیة» یعنی مار به خشم آمد و غضب کرد، به همین جهت هم به دیوار شهر سور گفته می‌شود چون دیوار شهر ارتفاع و اعتلاء دارد.

معنای اصطلاحی: در اصطلاح شاید بتوانیم چند معنا برای سوره ذکر کنیم، حداقل سه معنای اصطلاحی برای سوره قابل ذکر است، البته اصل آن دو اصلاح است و آن معنای سوم می‌تواند به این دو معنا برگردد و به نوعی وصف اینها هم باشد.

۱. سوره در اصطلاح اول قطعات مشخصی است که با بسم الله آغاز می‌شود و به بسم الله سوره بعد منتهی می‌شود، یعنی یک قطعه مشخص از آیات قرآن، یعنی همان که ما به عنوان سوره کامل می‌شناسیم، در قرآن این معنا استعمال شده است. «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا»^۳، که اشاره به همین سوره نور دارد، یعنی از بسم الله سوره نور تا منتهای این سوره یا در آیاتی که تحدی به ده سوره کرده اند، اینجا هم همان سوره کامل منظور است، «قُلْ فَاتُوا بَعْشَرَ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ»^۴

۱. سوره قمر، آیه ۹.

۲. سوره ص، آیه ۴۱.

۳. سوره نور، آیه ۱.

۴. سوره هود، آیه ۱۳.

منظور از سوره در این آیه همان سوره کامل است و سوره مشخص که ابتدا و انتهای آن معلوم است و ما می‌گوییم قرآن متضمن ۱۱۴ سوره است.

۲. اصطلاح دوم در سوره یک بخشی از آیات است که ویژگی آنها نظم و انسجام و پیوستگی مطالب آنها است و ممکن است کمتر از یک سوره کامل باشد، مثلاً در سوره بقره ممکن است دهها سوره به این معنا داشته باشیم، یعنی بخشی از آیات که مطالب آنها به نوعی به هم پیوسته است، یعنی پیوستگی آنها بیشتر از سایر موارد است، و إلا بین آیات هر سوره و بین سوره‌ها یک نوع پیوستگی وجود دارد، در همین سوره بقره ملاحظه فرمودید از آیه یکم تا بیست و سوم یک نکته‌ای که در همه آیات مورد تعرض قرار دادیم ارتباط آیات با یکدیگر بوده. بالاخر یک پیوستگی کلی و ارتباط کلی بین آیات قرآنی وجود دارد، این پیوستگی مد نظر نیست در اصطلاح دوم سوره یعنی یک بخشی از آیات که بین آنها پیوستگی واضح و روشن و خاصی وجود دارد و انسجام ظاهری آنها بیش از بقیه موارد است. مثل آیه «وَإِذَا أَنْزَلْنَا سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ»^۱، اینجا منظور از سوره، سوره کامل نمی‌باشد، اصطلاح اول مقصود نیست، بلکه مقصود سوره به معنای بخشی از آیات است که این ویژگی را دارند.

۳. یک اصطلاح سومی هم در مورد سوره مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذکر کرده است، می‌فرماید: سوره به معنای هر منزلت رفیع است، طبق این اصطلاح در واقع همه بخش‌های قرآن حتی یک آیه هم دارای یک درجه و منزلت عالی است، کسی هم که آیات قرآن را تلاوت می‌کند کأن با قرائت آن آیات به منزلت برتر میرسد و وقتی قرائت قرآن به پایان میرسد به عالیترین منزلت یعنی کمال قرآن دست پیدا می‌کند، البته با شرایط و خصوصیات که باید رعایت شود.

پس طبق این اصطلاح سوره حتی ممکن است بر یک آیه هم اطلاق شود، بر یک سوره کامل و چندین سوره هم اطلاق می‌شود. چون هر آیه از آیات قرآن در واقع از این درجه رفیع و منزلت عالی برخوردار است و به همین جهت هم است که قرائت هر آیه از آیات قرآن پله پله درجه و منزلت قاری را بالا می‌برد، اگر هم بر ختم قرآن تأکید می‌شود، ختم قرآن خودش یک کمال است، در احوال ائمه هم نقل شده است که مثلاً در فلان مدت ختم قرآن می‌کردند. قرائت قرآن باعث بالا بردن درجه و رفعت منزلت انسان می‌شود و این هرچه تکرار شود کمالات بیشتری برای انسان ایجاد می‌کند، حتی یک آیه از آیات قرآن یک درجه ای از منزلت و رفعت برای انسان حاصل می‌کند، حال شما ببینید اگر قرائت آیات زیادتر شود و تکرار شود پله پله انسان را بالاتر می‌برد.^۲

البته منظور از سوره در این آیه هر دو اصطلاح اول و دوم می‌تواند باشد، اصطلاح سوم قطعاً در اینجا مقصود نیست و اصلاً با سیاق آیات هم تناسب ندارد، لذا محتمل است این آیه که از آیات تحدی است، تحدی کند به یک سوره کامل و محتمل است تحدی به یک دسته‌ای از آیات باشد که مضمون منسجم دارند، هر دو در واقع مبارزه طلبی است و اثبات

۱. سوره توبه، آیه ۸۶.

۲. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵۶.

عجز مدعیان که نه می‌توانند یک سوره کامل بیاورند و نه حتی می‌توانند چند آیه که به نوعی انسجام از حیث مضمون داشته باشند، بیاورند، هر دو در اینجا محتمل است.

اگر این دو احتمال را در اینجا بپذیریم آنوقت اقسام تحدی را باید ۴ قسم بدانیم، قبلاً عرض کردیم تحدی بر سه قسم است، تحدی به تمام قرآن و تحدی به ده سوره و تحدی به یک سوره، اگر ما برای سوره آن دو اصطلاح را بپذیرفتیم و گفتیم سوره هم به سوره کامل اطلاق می‌شود و هم به یک دسته از آیات که دارای مضمون منسجم باشند، قهراً نتیجه آن در اقسام تحدی هم ظاهر می‌شود و ما می‌توانیم بگوییم اقسام تحدی بر چهار قسم می‌تواند باشد، البته استعمال آن در آیات در همان سه موضعی است که بیان شد، یعنی تارة فاتوا بمثل هذا القرآن است و اخرى بعشر سور من مثله و ثالثة تحدی به سوره شده است، این سوره چون دو احتمال دارد ما به اعتبار دو احتمالی که درباره سوره وجود دارد، می‌توانیم بگوییم اقسام تحدی ۴ مورد می‌باشد، ولی ما جایی در قرآن نداریم که تحدی شده باشد به بخشی از آیات و چند آیه که مثلاً دارای مضمون منسجم باشند.

علی ای حال طبق این آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ» این می‌خواهد اعجاز قرآن را نشان دهد و مبارز می‌طلبد که اگر می‌توانید و اگر صادق هستید، شما چند آیه با مضمون منسجم بیاورید یا یک سوره کامل مثل سوره های قرآن بیاورید که حتماً شما از آوردن آن عاجز هستید.

البته می‌توان آیه «فلیاتوا بحدیث مثله» را شاهد بر این احتمال دوم گرفت، اگر این را بپذیریم آنوقت همه چهار قسم از اقسام تحدی در قرآن در این چهار موضع مورد اشاره واقع شده است. یعنی یکبار سخن از تمام قرآن است، یکبار سخن از ده سوره، و یکبار سخن از یک سوره، و یکبار سخن از یک حدیث یعنی یک سخن، این احتمال قابل توجهی است.

ولی باید به این مسئله توجه کرد که در کلمه حدیث اطلاق وجود دارد، یعنی دیگر به یک دسته از آیات که دارای مضمون منسجم باشند بخصوص اطلاق نمی‌شود، حدیث می‌تواند حتی یک جمله هم باشد نه دسته ای از آیات، حتی یک آیه، مشکل به این معناست که ما می‌توانیم حدیث را به معنای عام بگیریم، یک معنا و سخن مطلق، حال این سخن ممکن است یک جمله باشد، ممکن است چند جمله با مضمون مشترک باشد، ممکن است یک سوره باشد، ممکن است ده سوره باشد و حتی ممکن است تمام قرآن باشد، چه اینکه ملاحظه فرمودید که بسیاری این حدیث را به تمام قرآن برگرداندند، اگر برای معنای حدیث اطلاق قائل باشیم، آنوقت دیگر حتی یک جمله را هم در بر می‌گیرد، دیگر به خصوص چند آیه یا یک دسته از آیات با مضمون مشترک اطلاق نمی‌شود.

اگر این احتمال را بگوییم یک قسم پنجم برای تحدی می‌شود که «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِحَدِيثٍ» حتی یک آیه و یک سخنی را مثل قرآن بیاورید، مثل یک سخن و یک آیه از قرآن.

بر این اساس ما پنج قسم تحدی خواهیم داشت و البته بعید هم نیست وقتی تحدی می‌شود و مبارز طلبیده می‌شود دیگر نهایت اعجاز در این است که کسی نتواند حتی یک آیه از آیات مثل قرآن بیاورد.

۴. «شهداءکم»

در ادامه آیه دارد «وادعوا شهداءکم» عرض کردیم شهید دو معنا دارد، یکی معنای گواه و یکی به معنای معین، در اینجا معنای دوم مقصود است، «وادعوا شهداءکم» یعنی شما بروید هر کسی را که می‌خواهید به غیر از خدا به عنوان کمک بیاورید، اینجا چون بحث مبارز طلبیدن و به میدان آوردن تمام توان‌ها می‌باشد، می‌گوید شما همه یاوران خود را به این منظور بیاورید، و البته از خدا استعانت نکنید چون این کلام، کلام خدا می‌باشد و ما می‌خواهیم بگوییم غیر خدا نمی‌تواند این کلام را بیاورد، پس «وادعوا شهداءکم» به معنای شهید است و شهید به معنای معین و یاور است و این برای اثبات عجز است که اگر همه شما هم جمع شوید و همه یاوران و معاونان خود را در خدمت بگیرید باز هم نمی‌توانید آیه ای یا سخنی یا سوره ای مثل سوره های قرآن بیاورید.

بحث جلسه آینده

در اینجا یک شبهه وجود دارد که باید پاسخ دهیم، و آن این که چطور در آیه دوم سوره بقره فرمود «ذلک الکتاب لا ریب فیہ» و در اینجا فرمود «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا» این دو چگونه با هم قابل جمع می‌باشد؟

«والحمد لله رب العالمین»